



Semnan University

Journal of Applied Arts

Journal homepage: <http://aaj.semnan.ac.ir>

ISSN: 2821-0670



Scientific– Research Article

Stylistics Comparison of Prophet's Ascension in Painting and Reverse Painting on Glass

Sama Ghobadi ¹, Masoumeh Zamani Saadabadi ², Mehran Houshiar ³ (Corresponding Author)

¹ Bachelor's Student, Iranian Painting Department, Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

² Ph.D. Graduate, Department of Advanced Art Studies, Faculty of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

³ Associate Professor, Department of Advanced Studies in Art, Faculty of Arts, Soore University, Tehran, Iran.

(Received: 17.07.2024, Revised: 06.11.2024, Accepted: 02.12.2024)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2025.34778.1273>

Abstract

The ascension of the Prophet has always been one of those narratives that have been discussed in every Islamic period and have influenced the language and various fields of art, including Iranian painting and Reverse Painting on glass. Throughout history, artists have used religious and Islamic elements and symbols such as Prophet, Baraq, Gabriel, Angel, Lion and other elements in this field. Ascension in each of the arts of Iranian painting and Reverse Painting on glass has unique features that distinguish it from other works. Examining the differences and similarities of these works, from the perspective of stylistics and emphasizing the important visual elements in each work, is the aim of the present research is to answer the basic question that what stylistic features the art of Iranian painting and Reverse Painting on glass with the subject of the ascension of the Prophet and What are the similarities and differences between these works. In this regard, information has been collected through library sources and studied in a descriptive-analytical way. The results of the research by studying and comparing technical components such as drawing methods and visual components such as form, colour and decorations of 4 Iranian paintings and 4 Reverse Painting on glass indicate that despite the presence of fixed elements such as the Prophet (PBUH), Baraq, Gabriel And in all the works of Fereshte, which is the common feature of these arts, differences in the way of dealing with the subject, the way of drawing each element, the presence of other motifs, including the lion as a symbol of Imam Ali (AS), lines and colouring can be identified. In the Iranian painting, the design of each element is more flexible and dynamic compared to the Reverse Painting on glass, more details are paid and a variety of colours are used a lot, but in the Reverse Painting on glass, the colouring is done in a flat way, and also the Prophet (PBUH) is the main focus of the subject. Ascension in the art of Reverse Painting on glass, while in Iranian painting, other elements are also paid much attention.

Keywords: Painting, Reverse Painting on Glass, Ascension of the Prophet, Stylistics.

1- Email: Smaghobadi@gmail.com

2- Email: Masoumeh.zamani@ut.ac.ir

3- Email: houshiar@soore.ac.ir

How to cite: Ghobadi, S.; Zamani Saadabadi, M. and Houshiar, M. (2025). Stylistics Comparison of Prophet's Ascension in Painting and Reverse Painting on Glass, Journal of Applied Arts, 5(3), 95-110. Doi: 10.22075/aaj.2025.34778.1273

تطبیق سبک‌شناسانه نگاره معراج پیامبر در نگارگری و نقاشی

پشت شیشه

سما قبادی^۱

معصومه زمانی‌سعدآبادی^۲

مهران هوشیار (نویسنده مسئول)^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی، گروه نقاشی ایرانی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^۲ دانش‌آموخته دکتری، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۳ دانشیار، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۷، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2025.34778.1273>

چکیده

معراج پیامبر همواره جزو آن دسته از روایات بوده که در هر دوره اسلامی به آن پرداخته شده و در زبان و حوزه‌های مختلف هنری اعم از نگارگری و نقاشی پشت شیشه نفوذ پیدا کرده‌است. بررسی تفاوت و تشابه این آثار، از منظر سبک‌شناختی و با تأکید بر عناصر بصری مهم در هر اثر هدف پژوهش حاضر است تا بدین پرسش اساسی که هنر نگارگری و نقاشی پشت شیشه با موضوع معراج پیامبر از چه ویژگی‌های سبک‌شناختی برخوردار بوده و وجه تشابه و تمایز این آثار کدام است؟ پاسخ دهد. در این راستا اطلاعات از طریق منابع اسنادی گردآوری شده و به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. نتایج پژوهش با مطالعه و بررسی تطبیقی مؤلفه‌های فنی از قبیل روش‌های ترسیم و مؤلفه‌های بصری مانند فرم، رنگ و تزیینات ۴ نگاره و ۴ نقاشی پشت شیشه منتخب حاکی از آن است که علی‌رغم وجود عناصر ثابت اعم از پیامبر (ص)، براق، جبرئیل و فرشته در تمام آثار که وجه اشتراک این هنرها است، تفاوت‌هایی در نحوه پرداختن به موضوع، نحوه ترسیم هر عنصر، حضور سایر نقوش از جمله نقش شیر به‌عنوان نمادی از امام علی (ع)، خطوط و رنگ‌گذاری قابل‌شناسایی است. در نگارگری طراحی هر عنصر نسبت به نقاشی پشت شیشه منعطف‌تر و پویاتر بوده، به جزئیات بیشتر پرداخته شده و از تنوع رنگی بسیار بهره گرفته شده‌است اما در نقاشی پشت شیشه رنگ‌گذاری به شیوه تخت بوده و همچنین پیامبر (ص) محور اصلی موضوع معراج در هنر نقاشی پشت شیشه است در حالی که در نگارگری به عناصر دیگر نیز بسیار توجه شده‌است.

واژه‌های کلیدی: نگارگری، نقاشی پشت شیشه، معراج پیامبر، سبک‌شناسی.

1- Email: Smaghobadi@gmail.com

2- Email: Masoumeh.zamani@ut.ac.ir

3- Email: houshiar@soore.ac.ir

شیوه ارجاع به این مقاله: قبادی، سما؛ زمانی‌سعدآبادی، معصومه و هوشیار، مهران. (۱۴۰۴). تطبیق سبک‌شناسانه نگاره معراج پیامبر در نگارگری و نقاشی پشت شیشه، نشریه هنرهای کاربردی، ۵(۳)، ۹۵-۱۱۰.

معراج پیامبر یکی از رایج‌ترین مضمون‌های دینی است که هنرمندان مقاطع مختلف تاریخی بسیار به آن پرداخته‌اند. نگارگری و نقاشی پشت شیشه از جمله هنرهایی است که به این موضوع توجه داشته و پیامبر را بعد از همراهی جبرئیل تا آسمان هفتم به صورت ماوراء به تصویر کشیده‌اند. در رابطه با موضوع مذکور از نماد و عناصر دینی و اسلامی مانند میعاد، کرسی الله، پرچم اسلام و سیمرغ و... استفاده شده‌است. از عناصر ثابتی که در اغلب نگاره‌ها بهره گرفته شده می‌توان به جبرئیل و سایر فرشتگان، براق و آسمان اشاره نمود، اما نحوه حضور آن‌ها بر اساس هر داستان و روایات متغیر بوده و حضور هر عنصر پررنگ‌تر یا کم‌رنگ‌تر است.

نقاشی پشت شیشه هنری سنتی و پراهمیت است. در این هنر ابتدا جزئیات و ظرایف کار انجام می‌شود و سپس به رنگ‌های اصلی و رنگ‌آمیزی زمینه پرداخته می‌شود. نگارگری و نقاشی پشت شیشه هر دو هنری هستند که اهمیت به جزئیات و دقیق بودن ترسیم در آن‌ها بسیار مهم بوده به‌طوری‌که در هر دو هنر مزبور به استفاده از رنگ‌های زنده تأکید شده‌است. نگاره و نقاشی معراج پیامبر در هر دوره و بستر، از سبک متفاوتی برخوردار هستند. سبک‌شناسی به مطالعه و تحلیل عوامل بصری و تأثیرات عوامل مختلفی بر روی یک اثر و چگونگی پدید آمدن آن اثر می‌پردازد. هدف این پژوهش بررسی تفاوت و تشابه موضوع معراج پیامبر در نگارگری و نقاشی پشت شیشه از نظر ویژگی‌ها و مفاهیم هنری آن است. به عبارتی دیگر، با بررسی این دو از منظر سبک‌شناسی وجوه تشابه و تفاوت بین آن‌ها مشخص و با توجه به آثار بر جای مانده از معراج پیامبر اعم از نگاره‌ها و نقاشی‌های پشت شیشه سبک هر اثر، عناصر موجود، نوع و طرز به‌کارگیری رنگ‌ها، نوع قلم‌گیری، توجه به جزئیات و... مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که معراج پیامبر در هنر نگارگری و نقاشی پشت شیشه از چه ویژگی‌های سبک‌شناختی برخوردار هستند و وجوه تفاوت و تشابه آن‌ها کدام

است؟ در این راستا اطلاعات از طریق منابع اسنادی جمع‌آوری شده و یکی از مهم‌ترین مضامین (معراج پیامبر) در قالب دو هنر نگارگری و نقاشی پشت شیشه به صورت توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

از پژوهش‌هایی که به بررسی نگاره معراج پیامبر پرداخته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. مرضیه علی‌پور و محسن امرایی در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی نگاره‌های معراج حضرت محمد (ص) و نقاشی عروج حضرت عیسی (ع)» (۱۳۹۶)، در نشریه نگره، دوره ۱۲ به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های معراج پیامبر و حضرت عیسی و به جایگاه ایشان بر اساس داستان اصلی معراج در نگاره‌های موجود پرداخته‌اند. سلیمه باباخان و بهنام کامرانی نیز پژوهشی با عنوان «خوانش نگاره معراج پیامبر (ص) اثر سلطان محمد از منظر اصول ادراک دیدار گشتالت» (۱۳۹۹)، در نشریه نگره، دوره ۱۵ نگاره پیامبر در دوره سلطان محمد را بررسی و فرایند قرارگیری عناصر و جایگاه آن‌ها را بر پایه چرایی روانشناسی گشتالت مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. موضوع معراج و تطابق آن در دو هنر نگارگری و نقاشی پشت شیشه دست‌مایه تحقیق جامع و مستقل نبوده، لذا پژوهش حاضر که عناصر بصری هر اثر را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد، به‌منظور درک عمیق‌تر و شناخت بهتر از این هنرها و ارزش‌های دینی حائز اهمیت است.

روش پژوهش

روش تحقیق مقاله توصیفی-تحلیلی و اطلاعات آن از طریق منابع اسنادی و با ابزار فیش‌برداری گردآوری شده‌است. جامعه آماری این پژوهش نگاره‌ها و نقاشی‌های پشت شیشه است که از آن میان چهار نگاره و چهار اثر نقاشی پشت شیشه با موضوع معراج پیامبر با روش نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند بر مبنای وجود عناصر سبک‌شناسانه انتخاب شده و به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است. در این پژوهش پس از پرداختن به معراج از زوایای گوناگون، نگاره‌ها و نقاشی‌های پشت شیشه منتخب از منظر سبک‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

معنای لغوی «معراج»

معنای لغوی «معراج» در برخی منابع به نردبان (وسیله بالا رفتن) گزارش شده‌است. در لغت‌نامه فارسی ۱- آن‌چه به‌وسیله آن بتوان بالا رفت. ۲- نردبان. ۳- پلکان: جمع: معارج معاریج. ۴- صعود پیغمبر اسلام به آسمان که یکی از معجزات او محسوب می‌شود. یا شب (لیل) معراج، شبی که پیغمبر اسلام به آسمان صعود کرد. در لغت‌نامه معین به معنای نردبان، پلکان، آن‌چه به‌وسیله آن بالا روند (معین، ۱۳۸۶: ۱۹۹۷). دهخدا در تعریف کلمه لغوی معراج: نردبان، عروج و صعود بر آسمان‌ها که ویژه حضرت رسول اکرم بود و آن بیست‌وششم ماه رجب بوده‌است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۱۳۳). از دیدگاه مسلمانان معراج شبی است که پیامبر با هم‌نشینی جبرئیل و فرشتگان سوار بر براق^۱ مرزهای مادی را درنوردیدند.

معراج در روایات

مبحث معراج نبی، در مورد قابلیت عینی و رؤیت بودن یا تصور و القائاتی بودن آن بسیار اسرارآمیز است. امام سجاد به ابهامات این‌گونه پاسخ می‌دهد: «تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ قُلْتُ فَلَمَّا أُسْرِيَ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِإِيرِيَهُ مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِيهَا مِنْ عَجَائِبِ صُنْعِهِ وَ بَدَائِعِ خَلْقِهِ قُلْتُ فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى قَالَ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ دَنَا مِنْ حُجُبِ النُّورِ فَرَأَى مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ ثُمَّ تَدَلَّى فَنَظَرَ مِنْ تَحْتِهِ إِلَى مَلَكَوَتِ الْأَرْضِ حَتَّى ظَنَّ أَنَّهُ فِي الْقُرْبِ مِنَ الْأَرْضِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» سائل از امام سجاد پرسید: آیا خدا قابل توصیف است؟ کجاست؟ چگونه است؟ منطقه‌اش کجاست؟ حاکمیت او کجاست؟ فرمود: «تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ»، خداوند بالاتر از این حرف‌ها است. یعنی شما وقتی می‌گویید «خدا بالا است» او را کوچک کرده‌ای، «در عرش است» او را محدود کرده‌ای، «بر کرسی نشسته» تصوّر انسانی به او داده‌ای. سؤال‌کننده ابوحمزه ثمالی شاگرد حضرت

است که دعای معروف ابوحمزه ثمالی در مفاتیح‌الجنان است. می‌گوید، گفتم: «قُلْتُ فَلَمَّا أُسْرِيَ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ إِلَى السَّمَاءِ» اگر اینطور که شما می‌گویید که خدا محدود نیست در بالا، عرش، کرسی، پس پیغمبر چطوری رفت بالا؟ چطوری می‌گوید که قرآن می‌گوید که به اندازه یک کمان با خدا فاصله داشته؟ سیدسجاد گفتند: «لِإِيرِيَهُ مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِيهَا مِنْ عَجَائِبِ صُنْعِهِ وَ بَدَائِعِ خَلْقِهِ» رفت بالا عجایب خلقت را ببیند، نه خدا را ببیند! چه را دارید می‌گویید؟ پیغمبر که بالا نمی‌رود خدا پایین می‌آید، اصل خدا است. پیامبر و کتاب و امام و شریعت و اصول و فروع برای این است که انسان به ذات اقدس کبریایی برسد. می‌گوید: پیغمبر رفت «لِإِيرِيَهُ» برای این که رؤیت کند «مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ» را، مُلک خدا را در آسمان، «وَ مَا فِيهَا» و آن‌چه که در آن است «مِنْ عَجَائِبِ صُنْعِهِ» چیزهای عجیب و غریب را ببیند که در روی زمین دیده نمی‌شود، «وَ بَدَائِعِ خَلْقِهِ» کارهای خاص خودش را که هیچ کسی نمی‌تواند این کار را انجام بدهد (علل‌الشرایع، حدیث ۱؛ بحارالانوار، حدیث ۸).

معراج در قرآن

خداوند در سوره «اسراء» می‌فرماید: «پاک و منزّه است آن خدایی که بنده خودش را در شبی، از مسجدالحرام به مسجدالقصی که در سرزمین مبارک و مقدسی است، برد تا آیات و نشانه‌های ما را ببیند». آیات ۱۳ تا ۱۸ سوره «نجم» تأکید دارد پیغمبر (ص) برای دومین بار فرشته وحی جبرئیل را شخصاً مشاهده و ملاقات کرد و این ملاقات در بهشت صورت گرفت و چشم پیغمبر در این مشاهده دچار خطا و اشتباه نشد و آیات بزرگی از عظمت خدا را مشاهده نمود. در قرآن مجید نیز آیاتی درباره معراج پیامبر گویا است ۱. در سوره بنی‌اسرائیل، آیه اول چنین می‌خوانیم: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا خَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (پاک و منزّه است آن خدایی که

شب معراج بر آن سوار شده و به آسمان‌ها صعود کرده‌است. براق نمادی از قدرت الهی و سفر معنوی پیامبر است.

^۱ براق در ادبیات فارسی و اسلامی حیوانی آسمانی، موجودی ترکیبی و سواره‌ای توصیف شده‌است که پیامبر اسلام (ص) در

معراج در نگارگری دوره صفوی

عصر صفوی از مهم‌ترین دوره‌های هنری در تاریخ هنر اسلامی ایران به شمار می‌رود که در این میان نگارگری جایگاه ویژه‌ای دارد. موضوع نگاره‌ها شامل صحنه‌های مختلفی است که بخشی از آن معراج‌نامه‌ها و داستان‌های مذهبی، ادبی و تاریخی است. از نگاره‌های موجود در رابطه با داستان معراج پیامبر وجوه تشابه بسیاری قابل تشخیص است که در تمام آن‌ها در طی دوره‌ها و مکاتب مختلف عناصری ثابت و اصلی بر پایه حدیث معراج به تصویر درآمده است. شاخص‌ترین نگاره‌های معراج در نیمه اول حکومت صفوی در مکتب تبریز به‌خصوص در دوران شاه‌تهماسب اول و حمایت شاه از هنرمندان و علاقه مردم به عناوین مذهبی باعث پدید آمدن نسخه‌های خطی فاخر شد و با کاهش علاقه شاه‌تهماسب به هنر، هنر در دربار ایشان رو به افول رفت.

نگارگران مکتب تبریز به تصویر کردن محیط زندگی و امور روزمره علاقه داشتند. آن‌ها سعی داشتند بازنمودی از دنیای پیرامون را در نگاره‌های کوچک بگنجانند و از این‌رو سراسر صفحه را با پیکره‌ها، تزیینات معماری و جزئیات منظره پر می‌کردند ولی در رویکرد واقع‌گرایانه به جهان روش طبیعت‌نگاری را به کار نبردند (پاکباز، ۱۳۸۸: ۹۱). این رویکرد در نوع خود سبب ایجاد تنوع در سبک نگارگری این دوره شد. بررسی محتوا و مضامین موجود در نگاره‌های دوره صفوی نشان می‌دهد که هنر دوره صفوی در پیوند مستقیم با عناصری قرار گرفت که طبیعت و ماهیت مذهبی داشتند و در این دوره، پراکندگی عمومی و همه‌جانبه از آموزه‌های فقهی تشیع صورت گرفت که در تاریخ مذهبی اسلام از چشمگیرترین مسائل به شمار می‌رود (اسکارچیا، ۱۳۹۰: ۲۷). ظهور عناصر شیعی بر اساس آثار به‌دست‌آمده دوره صفوی مانند شیر، پرچم، نمادهای دینی و توجه نمادین به پوشش لباس پیامبر و حذف جزئیات چهره ایشان در این دوره آغاز گردیده‌است. از نمونه آثاری که از این دوره برجای‌مانده می‌توان به مخزن‌الاسرار و نگاره‌های فالنامه امام صادق (ع) اشاره کرد که بخش بیشتری از

بنده خودش را در شبی، از «مسجدالحرام» به «مسجدالقصی» که در سرزمین مبارک و مقدسی واقع شده‌است، برد تا آیات و نشانه‌های [عظمت] ما را ببیند، او شنوا و بیناست). با تحلیل این آیه می‌توان دریافت که سفر پیامبر از مسجدالحرام شروع شده و سفر ایشان در بیداری و هشیاری بوده‌است. ۲. سوره «نجم» در آیات ۱۳ تا ۱۸ می‌فرماید: «وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ إِذْ يَخْشَى السِّدْرَةَ مَا يَخْشَىٰ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ». خلاصه مفاد این شش آیه این است که هدف معراج مشاهده آیات عظمت خداوند توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و در این آیه دومین ملاقات ایشان و جبرئیل ذکر شده‌است.

معراج پیامبر

در قرآن به کلمه معراج اشاره‌ای نشده و بیشتر از مشتقات آن مانند «تعرج»، «يعرج»، «يعجرون» و «معارج» استفاده شده‌است. در کتب‌های عهد عتیق و جدی از معراج دیگر پیامبران هم صحبت به میان آورده شده اما کامل‌ترین نوع معراج و عروج به هفت آسمان و سیر به عرش الهی معراج پیامبر بوده‌است (دشتگل، ۱۳۸۹: ۲). سفر روحانی- جسمانی پیامبر سوار بر مرکب خود به همراهی جبرئیل و فرشتگان به هفت آسمان طی مراحل که جبرئیل، میکائیل و اسرافیل در شبی بر پیامبر نازل شدند و مرکبی برای ایشان آوردند و پیامبر به سمت بیت‌المقدس حرکت کردند. بعد از آن پیامبر در میانه راه در مدینه و مسجد کوفه، طور سینا نماز گزاردند و بعد از آن وارد مسجدالاقصی شده و در آن‌جا با حضرت ابراهیم، عیسی و موسی میان چندی از انبیاء نماز خواندند (علی‌پور و مراثی، ۱۳۹۶: ۱۲۶). اسباب و عوامل سیر پیامبر را با توجه به روایات این‌گونه یاد کرده‌اند: ۱. براق: اولین مرکبی که پیامبر را تا بیت‌المقدس برد. ۲. معراج: سیر پیامبر از بیت‌المقدس تا هفت آسمان. ۳. جنبه ملائکه: فرشتگان همراه پیامبر که او را تا هفت آسمان همراهی کرده و رسانیدند. ۴. جبرئیل: که پیامبر را تا سدره‌المنتهی همراهی و از آن‌جا به بعد پیامبر را رها کرد. ۶. مرکب. (دشتگل، ۱۳۸۹: ۷).

سنت معراج‌نگاری را دارا است.

در معراج‌نگاری صفوی شیوه غالب تصویرپردازی پیامبر بر اساس روایات صحنه‌های آسمانی پیامبر سوار بر براق و نشان دادن عروج ایشان از زمین به آسمان هفتم بوده و در نگاره‌های سلطان محمد برای تأکید بر این عروج آسمانی ماه به زیر پای براق نگاشته شده‌است. نگاره‌های صفوی از نظر عناصر و محتوای دینی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول فاقد عناصر شیعی مانند شیر، پرچم سبز و انگشتر سپاری و دسته دوم دارای عناصر شیعی است (فروغی‌نیا و دادور، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

نقاشی پشت شیشه

هنر نقاشی پشت شیشه که هنری شکل گرفته از میان مردم و برخاسته از عقاید آن‌ها است جزو نقاشی‌های اصیل ایرانی به شمار می‌رود. نقاشی پشت شیشه را از نظر عنوان می‌توان به دو دسته کلی، تزئینی و مذهبی تقسیم نمود. هنرمندان نقاشی پشت شیشه اغلب ناشناخته و نامعلوم بودند اما در پایین کادر برخی آثار، نام و امضا هنرمند وجود دارد. همان‌طور که از نام آن برمی‌آید در این روش، از شیشه به‌عنوان بستر برای خلق اثر نقاشی استفاده می‌شود. این هنر متضمن آگاهی از قابلیت‌های شیشه به‌عنوان بوم و بستر کار، شناخت تکنیک‌ها و بهره‌گیری از مواد و همچنین مطالعه نگاره‌ها است. علاوه بر آن باید دقت در اجرای تکنیک، صبر و پرهیز از خطا که گاه غیرقابل جبران است را در دستور کار قرار داد.

هنر نقاشی پشت شیشه در ایران از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است. علیرغم این‌که خاستگاه شیشه‌گری را بین‌النهرین و به خصوص فنیقیه دانسته‌اند، محل پیدایش نقاشی پشت شیشه ایتالیا است و قدیمی‌ترین این نوع نقاشی متعلق به قرن‌های سوم و چهارم پیش از میلاد در منطقه آپولیا - ناحیه‌ای در ایتالیا - است (یاوری، ۱۳۹۵: ۱۰). تاریخ دقیق و چگونگی ورود این هنر به ایران چندان روشن نیست اما اکثر محققین آغاز نقاشی پشت شیشه را به دوره صفویه منسوب می‌دانند (پاکباز، ۱۳۸۳: ۵۸۰). شیشه‌گری در ایران که پس از حمله مغول دچار رکود شده بود با روی کار

آمدن صفویان و تلاش‌های ثمربخش شاه‌عباس برای احیای هنرها حیاتی دوباره یافت (حاتم، ۱۳۸۸: ۱۳۷). تا پیش از سلطنت شاه‌عباس و کوشش‌های او برای رونق بخشیدن به صنایع، شیشه مناسب برای تولید نقاشی پشت شیشه موجود نبوده و این دوره با تولید شیشه تخت و بی‌رنگ مناسب برای نقاشی هم‌زمان است. در سفرنامه شاردن - جهانگرد فرانسوی - که در دوره صفویه به ایران آمده بود نوشته شده: «در سرتاسر ایران کارخانه‌های شیشه‌گری وجود دارد... یک مرد ایتالیایی این فن را در شیراز در مقابل پنجاه اکو به ایرانیان بیاموخت» (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۵۱). بر اساس اسناد و قراین، این هنر از یک‌سو توسط شیشه‌گران ایتالیا و از سوی دیگر از طریق تبادل و تجارت با ونیز در دوره صفویه وارد ایران شده‌است (سلحشور، ۱۳۸۷: ۷). زیرا این شهر مدت‌ها مرکز پررونق شیشه‌گری بوده و در عین حال دادوستد کالاهای گوناگون از کشورهای مختلف جهان در آن رواج داشته، بنابراین این هنر از بندرهای جنوبی وارد ایران شده و موردتوجه قرار گرفت.

تحلیل و تطبیق سبک‌شناسانه آثار منتخب

واژه عربی سبک از ریشه سَبَك، مصدر ثلاثی مجرد، به معنی ذوب کردن و در قالب ریختن است که بعدها به روش خاص شکل دادن به حروف در نوشتارها تعبیر شده‌است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳). سبک عنصری است که تقریباً در تمام فعالیت‌های انسانی از کاربرد زبان گرفته تا آداب صرف غذا، فارغ از هنر وجود دارد. سبک به شکلی حیاتی ولی نه یگانه، در هنر حائز اهمیت است (داتون، ۱۳۸۴: ۱۵۶). در یک تعریف کلی، سبک الگو، صفات و ویژگی‌های متمایز و مشخص یک، دو و یا مجموعه‌ای از اشیاء است. این ویژگی‌های مشخص را صفات یا ویژگی‌های سبکی گویند که اگر در یک اثر هنری باشد سبک آن اثر، اگر در آثار یک هنرمند باشد سبک آن هنرمند و اگر در آثار یک منطقه یا یک دوره باشد سبک آن منطقه یا دوره را شکل می‌دهد (صحرارگرد و شیرازی، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳).

۸۹). منظور از سبک در این پژوهش بررسی ساختار اثر متأثر از مجموعه عوامل تاریخی، فنی و... است که باعث می‌شود هر نوع از آثار دارای ویژگی‌های منحصر به فردی شود و از سایر آثار متمایز باشد. به بیانی دیگر، سبک نگارگری و نقاشی پشت شیشه معراج پیامبر، برآیند ویژگی‌هایی است که در قالب مؤلفه‌های فنی و بصری ظهور و بروز یافته است. در تحلیل سبک‌شناسانه آثار منتخب معراج پیامبر به ویژگی‌های ذیل پرداخته شده است.

عناصر بصری نگاره و نقاشی پشت شیشه با موضوع معراج

در نگاره‌ها و نقاشی‌های پشت شیشه معراج پیامبر عناصر ثابت و متغیری حضور دارند که در ذیل بدان پرداخته شده است.

حضرت محمد (ص): حضور مقدس پیامبر (ص) در اغلب آثار بیشتر با جامه‌های سبز رنگ، گاهی به رنگ سفید و قهوه‌ای، با نقابی سفید رنگ بر روی چهره ایشان و در برخی، هاله دور سر با تشعشع نور زرد و نارنجی در اطراف سر پیامبر که در حالتی ایستا سوار بر براق به سمت آسمان اوج گرفته با تشعشع طلایی آتش یا شعله‌های مقدس جایگزین شده است. از جلوه‌های ظاهری و جامه پیامبر در روایت این‌گونه آمده است: ردای بلند و گشاد با راه‌های سرخ مات (قهوه‌ای) و سیاه. پیامبر عبای راه‌راه عمودی سبز رنگی نیز داشت، ایشان عمامه‌هایی با رنگ‌های مختلفی بر سر می‌کردند که به رنگ‌های سفید، سیاه، قرمز و حتی زرد رنگ بود (دشتگل، ۱۳۸۹: ۹).

جبرئیل: معروف‌ترین فرشته در میان فرشتگانی است که مسلمانان می‌شناسند و با این‌که تنها ۳ بار در قرآن ذکر شده اما از عناوینی است که بسیار از آن یاد می‌شود. در روایات برای جبرئیل شش بال که هر کدام دارای صد بال است ذکر شده است (همان: ۱۰). در برخی نگاره‌ها به این بخش از روایت توجه شده و تعداد بال‌های ترسیم شده برای جبرئیل نسبت به سایر فرشته‌ها متراکم‌تر در نظر گرفته شده است.

براق: در متون اسلامی، براق که از واژه «برق» به معنی حرکت سریع و تند گرفته شده یکی از عناصر ثابت در نگاره‌های داستان معراج محسوب می‌شود. با وجود جزئیات بسیاری که در این داستان وجود دارد، براق همواره حضور داشته و نقش آن بر اساس فراز و نشیب‌های داستان دستخوش تغییرات گردیده است. روایات حاکی از آن است که این حیوان در خدمت حضرت ابراهیم بوده و علاوه بر ایشان، گروهی از ملائکه را نیز حمل می‌کرده است. در منابع و گزارش‌های موجود، براق دارای توصیفاتی چون رنگ سفید، پشتی کشیده، اندازه‌ای کوچک‌تر از شتر و بزرگ‌تر از الاغ، زینتی از یاقوت سرخ، ریزش مروارید به جای عرق، بالش آویزان از سمت راست، دارا بودن تمامی رنگ‌ها، دست‌های بلند در سرازیری‌ها و پاهای کوتاه در سربالایی‌ها، چهره‌ای همانند انسان و توانایی شنیدن و فهمیدن سخنان معرفی شده است. در برخی گزارش‌ها و روایات، چهره براق به صورت زنی جوان توصیف گردیده است. همچنین در نگاره‌های مختلف، این حیوان گاهی به شکل خندان و گاهی به صورت گریان به تصویر کشیده شده که نشان‌دهنده مراحل مختلف سفر معراج و حوادث آن است (وکیلی و لعل‌شاطری، ۱۳۹۴: ۶۱-۵۴).

فرشتگان: فرشتگان بلندقامت با بال‌های رنگی با نگاه مستقیم به پیامبر که تعداد آن‌ها به ۵ یا ۷ و یا بیشتر می‌رسد، در حال ثناگویی هستند. در روایات مختلف فرشته را اجسامی نورانی نیکومنشی که در برابر شیاطین قابلیت تبدیل شدن به هر شکلی را دارا هستند خواندند. فرشته‌ها نسبت به وظایف و اعمال خود مراتب متفاوتی دارند و پیامبر در شب معراج خود با انواع فرشتگان دیدار می‌کند (دشتگل، ۱۳۸۹: ۱۳). همچنین فرشتگان در نگاره‌های صفوی در حال تقدیم هدایا و استقبال از پیامبر هستند (فروغی‌نیا و دادور، ۱۳۹۶: ۱۲۷). فرشتگان در برخی روایات به صورتی چون گل و گیسوی زنانه به همراه کلاه جواهرنشان تشبیه شده‌اند که گرداگرد پیامبر در حال گلاب‌پاشی، ثناگویی و آوردن میوه‌های بهشتی، مشعل‌ها و قندیل‌های نمادین در دست هستند. بال‌های فرشتگان

مانند بال پرندگان رنگارنگ و یا به شکل شعله‌های
برش‌دار و گاهی بیشتر از دو بال جهت القای حرکت
آن‌ها در آسمان نشان داده شده که به همراه تاج‌های
رنگین هیبتی اثیری و ناملوس بخشیده‌است
(اعظم‌کثیری، ۱۳۹۷: ۱۷). تعداد بال‌های فرشتگان
طبق روایات اسلامی نشان و نماد سرعت فرشته و
قدرت او است. این تلقی در سایر ادیان و تفکرها نیز
بیان شده‌است. چنان‌چه در تفکر بودایی دو بال
فرشته نشان خرد و نظم است و در تفکر سومری چهار
بال نماد و مظهر چهار باد و چهار فصل، «ییل سامی»
(در زبان یونانی به معنی خدا) چهار یا شش بال دارد
که دو تا از آن‌ها بسته و دو تا باز است و نماد سکون
در پرواز و پرواز در سکون است (یاوری و سعیدی‌فرد،
۱۳۹۵: ۲۱).

شیر: در دهه‌های آغازین ظهور اسلام در شبه جزیره
عربستان، لقب «اسدالله» یا «شیر خدا» به حضرت
حمزه بن عبدالمطلب، عموی گرامی پیامبر اسلام (ص)
اطلاق می‌شد. حمزه به واسطه شجاعت و دلاوری‌های
بی‌نظیرش در جنگ‌های ابتدایی اسلام در کنار پیامبر
(ص)، این لقب را به خود اختصاص داده بود اما پس از
شهادت حضرت حمزه در جنگ احد، این لقب
ارزشمند به امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) منتقل شد.
حضرت علی (ع) نیز با حضور همیشگی در کنار پیامبر
(ص) و رشادت‌ها و شجاعت‌های بی‌بدیل خود در دفاع
از اسلام، شایستگی این لقب را به خوبی اثبات نمود.
در ادبیات عربی، فارسی، اردو و ترکی لقب «شیر خدا»
بیش از سایر القاب حضرت علی (ع) مورد استفاده قرار
گرفته‌است. این لقب به دلیل تداعی معنایی آن با
بزرگی، قدرت، شجاعت و بی‌باکی در میان سایر
موجودات به‌عنوان نمادی برجسته برای ستایش
ویژگی‌های ممتاز امام علی (ع) به‌کار رفته‌است. در
واقع، شیر به‌عنوان بهترین نماد و تشبیه برای توصیف
ویژگی‌های ممتاز یک انسان شجاع و دلیر انتخاب
شده‌است. این لقب گویای جایگاه والای حضرت علی
(ع) در دفاع از اسلام و مبارزه با دشمنان آن در کنار
پیامبر اکرم (ص) است. از عناصر دیگری که در نگاره‌ها

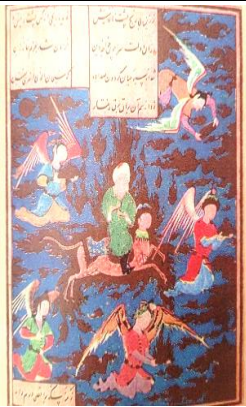
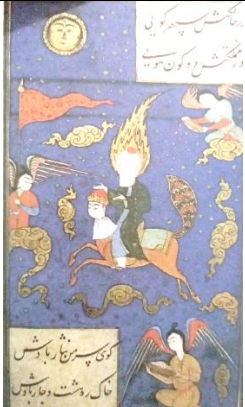
می‌توان به آن‌ها اشاره کرد، پرچم سبز رنگ، ابرهای
پیچان و ستاره‌های گرد و درخشان در آسمان
لاجوردی و یا آبی تیره نشانه مکانی و زمانی و بر
آسمان شب دلالت دارند که به زمینه کار عمق
بخشیده‌است.

مطالعه و بررسی آثار منتخب

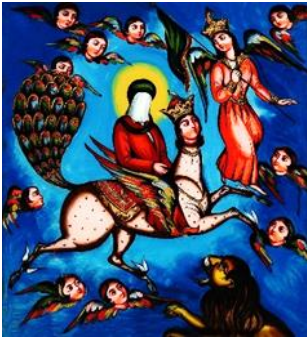
از میان نگاره‌های معراج پیامبر (ص) چهار نگاره
متعلق به قرون ۱۰ و ۱۱ هـ انتخاب و در جدول (۱)
گردآوری شده‌است. جدول (۲) نیز دربر دارنده آثار
منتخب نقاشی پشت شیشه با موضوع مذکور است.
معراج پیامبر جامی: در این نگاره پنج فرشته که به
صورت دایره‌ای به دور پیامبر حلقه بسته‌اند و ظروفی
نقره‌ای در دست دارند، قابل‌مشاهده است. جبرئیل نیز
با جامه‌ای قرمز و آبی که در بیشتر نگاره‌ها به همین
رنگ مشهود است، با ظرفی در دست جلوتر از پیامبر
به سمت خارج کادر در حال حرکت ترسیم شده و
بال‌هایی متفاوت از سایر فرشتگان دارد. پیامبر با جامه
سبز رنگ و عمامه سفید و قرمز همانند کلاه قزل‌باش
در آن دوره، سوار بر براقی است که رنگی قهوه‌ای و
لکه‌های سفید کم‌رنگ، کلاهی با تزیینات و گردن‌آویز
و زینتی به رنگ آبی و سبز دارد.

معراج پیامبر عارفی: این نگاره دارای سه فرشته با
چهره‌هایی گرد، چشم‌های ریز، ابروهای کشیده و
موهای مشکی با فاصله زیاد از پیامبر و جبرئیل که با
فاصله نزدیک‌تر به براق و پیامبر در حال خارج شدن از
کادر با جامه قرمز و آبی و پرچمی قرمز در دست در
حال حرکت است. پیامبر با جامه سبز و عمامه سفید و
قرمز با شعله‌های مقدس طلایی، بر براقی قهوه‌ای سرخ
رنگ با دم طاووس و گردن‌بندی از پارچه که کامل
قسمت گردن را پوشانده، سوار است. عنصر متفاوت
این نگاره ماه در بالای تصویر با چهره‌ای مانند چهره
فرشتگان و ستاره‌های طلایی به‌کاررفته در پس‌زمینه
احتمالاً برای القای بعد است.

جدول ۱- نگاره‌های منتخب معراج پیامبر. منبع: (نگارندگان)

نگاره ۱	نگاره ۲	نگاره ۳	نگاره ۴
			
یوسف و زلیخا، جامی. نیمه اول قرن دهم هجری. منبع: (دشتگل، ۱۳۸۹: ۱۷۰)	گوی و چوگان، عارفی. حدود قرن ده و یازده هجری. منبع: (دشتگل، ۱۳۸۹: ۱۶۸)	فالنامه (شاه تهماسب) منسوب به امام جعفر صادق (ع). نیمه قرن دهم هجری. منبع: (دشتگل، ۱۳۸۹: ۱۸۵)	خمسه نظامی (طالب لالا). نیمه دوم قرن یازدهم هجری. منبع: (دشتگل، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

جدول ۲- آثار منتخب نقاشی پشت شیشه معراج پیامبر. منبع: (نگارندگان)

نقاشی پشت شیشه ۱	نقاشی پشت شیشه ۲	نقاشی پشت شیشه ۳	نقاشی پشت شیشه ۴
			
معراج حضرت رسول، بدون تاریخ. منبع: (سلحشور، ۱۳۸۷: ۵۶)	معراج محمد (ص)، منسوب به میرزا اسکندر. قرن چهاردهم هجری. منبع: (دشتگل، ۱۳۸۹: ۲۳۵)	معراج حضرت محمد (ص). قرن چهاردهم هجری. منبع: (دشتگل، ۱۳۸۹: ۲۳۵)	معراج حضرت رسول، بدون تاریخ. منبع: (سلحشور، ۱۳۸۷: ۵۷)

معراج پیامبر فالنامه شاه‌تھماسب: این نگاره دارای هفت فرشته با بال‌های رنگی، چهره‌هایی گرد، ابروهای کشیده و نازک، چشمان گرد و کوچک است که از تزیینات متنوعی برخوردار هستند. این فرشته‌ها با ظرف‌های زرین و محتویات متفاوت در دستانشان، به دور پیامبر که جامه سفید و قرمز به تن و عمامه سفید به سر دارد و در حال انگشترسپاری به شیر داخل تصویر که نماد حضرت علی است، از حرکتی اسپیرالی برخوردارند. جبرئیل حامل پرچمی سبز رنگ در همان موقعیت همیشگی در حال حرکت رو به جلو و جلوتر از پیامبر و براق است. براق نیز با رنگی صورتی و لکه‌های کم‌رنگی که این لکه‌ها بر روی اسب‌ها در نگاره تنها برای شخصیت اصلی و مهم نگاره ترسیم می‌شود، قابل‌مشاهده است. شیر داخل نگاره معلق و روبه‌روی پیامبر در بالای کادر قرار دارد.

معراج پیامبر خمسه نظامی: در این نگاره چهار فرشته همراه جبرئیل که ظرفی طلایی به دست دارد، از کادر خارج می‌شوند. پیامبر با جامه قهوه‌ای رنگ و عمامه سفید با شعله‌های طلایی مقدس در حال انگشترسپاری به شیر داخل تصویر که دارای شعله‌های مقدس بوده و خارج از کادر به تصویر کشیده شده‌است. لازم به ذکر است حضور شیر و اشاره به امام علی (ع) در آثار اولیه معراج تصویر نشده‌است.

نقاشی پشت شیشه ۱: پیامبر (ص) با جامه‌ای قرمز و آبی و هاله‌ای از نور زرد دور سرش، بر روی موجود افسانه‌ای براق نشسته‌است. براق نیز با ویژگی‌های آشنای خود همچون موهای بلند مشکی، بدن قهوه‌ای با لکه‌های سفید، دم طاووسی و تاج بر سر حضور دارد. در بالای کادر، دو فرشته با نیمی از بدن و برگ‌های طلایی در دست، پیامبر را همراهی می‌کنند. این عناصر نشان‌دهنده جنبه‌های معنوی و روحانی سفر معراج هستند. در پایین تصویر، شیری در میان ابرها

نمایان است که می‌تواند نماد قدرت، شجاعت و حمایت الهی باشد.

نقاشی پشت شیشه ۲: این نقاشی نمایشی پیچیده‌تر از نمونه قبلی است و جزئیات بیشتری را در خود دارد. در این اثر، ۱۰ فرشته به صورت پراکنده در اطراف پیامبر در حال پرواز هستند. آن‌ها تنها از گردن تا سر ترسیم شده‌اند و بال‌های رنگارنگی دارند و تنها جبرئیل با بدن و پرچم سبزی در دست، به صورت کامل نقاشی شده‌است. پیامبر با جامه‌ای قهوه‌ای، عمامه سبز رنگ و هاله‌ای در دور سر به تصویر کشیده شده‌است. براق نیز با ویژگی‌هایی اعم از دم طاووسی و تاج بر سر ترسیم شده‌است. علاوه بر آن، در این اثر شیری در زاویه متفاوتی در پایین تصویر و خارج از کادر نمایش داده شده‌است.

نقاشی پشت شیشه ۳: در این نقاشی، پیامبر اسلام با جامه‌ای قهوه‌ای و هاله‌ای دور سر در حال آغاز سفر معراج خود به آسمان‌ها ترسیم شده‌است. پیامبر با ظاهری آرام و خونسرد بر روی براق با موهای بلند مشکی، بدنی به رنگ قهوه‌ای با لکه‌های سفید و دم شبیه دم طاووس بدون تزیینات گردن نشسته‌است. این نقاشی می‌تواند پس از فرود براق بر روی زمین باشد که پیامبر در حالتی آرام و خونسرد بر روی آن قرار دارد.

نقاشی پشت شیشه ۴: در این اثر، ۱۱ فرشته مقابل پیامبر که جامه قهوه‌ای و عمامه سبز رنگ دارد، به صورت پراکنده در حال حرکت هستند. تنها سر و بال آن‌ها ترسیم شده و هر کدام از تنوع چهره و مو برخوردارند، حتی چهره‌های مردانه و بچگانه هم قابل‌مشاهده است. جبرئیل در حالتی ایستا و بی‌حرکت در کنار پیامبر و براق ایستاده است. براق با دم طاووس بدون لکه روی بدن و تزیینات ترسیم شده‌است. نقش شیری نیز در پایین کادر با حرکتی رو به بالا قرار دارد.

تحلیل عناصر بصری در نگاره‌ها و نقاشی‌های پشت شیشه منتخب

در نگاره اول، پیامبر اسلام به سمت راست و شرق در حال حرکت است. دست‌های ایشان به داخل شکم جمع شده و بسته است. اطراف سر پیامبر را شعله‌های مقدس احاطه کرده‌است. در تصویر دوم، پیامبر به سمت چپ و غرب در حال حرکت بوده و نسبت به حیوان سواری خود (براق) بزرگ‌تر ترسیم شده‌است. شعله‌های مقدس تنها در اطراف سر او قرار گرفته‌اند. در نگاره (۳)، پیامبر نسبت به براق کوچک‌تر به نظر می‌رسد. دست‌های ایشان به سمت بیرون کشیده شده و شعله‌های مقدس در اطراف سر پیامبر قابل مشاهده است. در چهارمین تصویر، پیامبر با دست راست خود انگشتی را به سمت شیر نشان می‌دهد. پیامبر در این تصویر بزرگ‌تر از براق ترسیم شده و شعله‌های مقدس اطراف سر او را احاطه کرده‌اند.

در تصویر (۱) نقاشی پشت شیشه، پیامبر با طراحی خشک، دستی رو به جلو و دستی دیگر در کنار بدن و نیز و خطوط شکسته و صاف بدون چروک لباس ترسیم شده‌است. هاله مقدس به صورت دایره‌ای دور سر با چند ضلع برای تشعشعات مشهود است. در تصویر (۲) خطوط رهاتر و منعطف‌تر بوده، پیامبر با اندازه‌ای نسبتاً کوتاه‌تر ترسیم شده و هاله زرد پشت سر ایشان وجود دارد. در تصویر (۳) نیز پیامبر با قدی بلند درحالی‌که دست بر سینه گذارده با طراحی خشک و شکسته ترسیم شده‌است. هاله دایره زرد با تشعشعات خطی اطراف سر او نقش بسته است. در تصویر (۴) طراحی محو و نامشخص از پیامبر وجود دارد و هاله دور سر او بسیار کم‌رنگ و محو است.

در تصویر (۱)، براق در حال پرواز و اوج گرفتن ترسیم شده‌است. ویژگی‌های بارز آن شامل دم گاوگونه، لکه‌های روی بدن و تزییناتی چون تاج و زین است. در این نگاره، چهره براق ترسیم نشده‌است. در نگاره (۲) براق دارای دم طاووسی و تزییناتی چون گردن‌بند و

تاج است. براق چهره‌ای رنگ پریده داشته و هیچ لکه‌ای روی بدن آن قابل مشاهده نیست. در تصویر (۳) براق دارای اندامی صورتی مایل به قرمز است و لکه‌های کم‌رنگی روی بدن آن وجود دارد. براق در این نگاره با دم‌ی شبیه دم گاو ترسیم شده و تزییناتی در ناحیه گردن با موهای مشکی قابل مشاهده است. در نگاره (۴) براق دارای اندام صورتی رنگ است و بدون هیچ لکه‌ای ترسیم شده‌است. براق در این تصویر با دم طاووس ترسیم شده‌است و حالت پای آن متفاوت از سایر تصاویر است، اما همان تزیینات گردن را دارا است.

در نقاشی پشت شیشه (۱) براق به صورت تجریدی و ساکن ترسیم شده‌است. رنگ غالب بدن آن قهوه‌ای با لکه‌های سفید بوده و بال‌هایش نیز سفید است. تزیینات گردن و تاج بر سر دارد. موهای بلند مشکی رنگ و دم عظیم و پر جزئیات طاووس‌مانند در این براق قابل مشاهده است. تصویر (۲) واقع‌گرایانه و طبیعی است. براق دارای لکه‌های مشکی و تاج زیبایی است. موهای کوتاه مشکی، دم پر جزئیات طاووس و بال‌های رنگارنگ آن به خوبی ترسیم شده‌اند. در تصویر (۳) براق دارای جثه بزرگی است و بدنش پوشیده از لکه‌های سفید است. رنگ غالب آن زرد و قهوه‌ای بوده و موهای مشکی و تاج روی سر دارد. دم ساده و قهوه‌ای رنگ طاووس‌مانند و وضعیت ایستا و ساکن آن مشهود است. در تصویر (۴) براق بسیار ساده و بدون جزئیات بوده و فقط تاج بر سر دارد. موهای مشکی کوتاه و بال‌های کوچک و ساده و نیز دم سبز رنگ طاووس در این نقاشی مشاهده می‌شود.

در نگاره (۱) جبرئیل لباسی آبی و قرمز تن کرده و بال‌های ساده و تک‌رنگ دارد و فاقد پرچمی در دست است. در تصویر (۲) بخشی از بدن جبرئیل خارج از کادر قرار گرفته و او دارای پرچمی قرمز رنگ است. چهره‌اش رنگ پریده به نظر می‌رسد و لباسش قرمز و آبی است. در نگاره (۳) جبرئیل کاملاً خارج از کادر

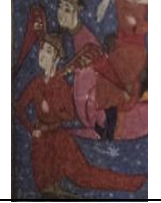
تصویر قرار گرفته و دارای پرچمی سبز رنگ است. رنگ و لباسی قرمز تن کرده است. این جبرئیل تاجی
بال‌هایش رنگی و لباسش قرمز و آبی بوده، اما فاقد تاج
است. در تصویر (۴) جبرئیل دارای پرچمی صورتی
جدول ۳- تحلیل نقش پیامبر در آثار منتخب. منبع: (نگارندگان)

تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	آثار نگارگری
				
تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	آثار نقاشی پشت شیشه
				

جدول ۴- تحلیل نقش براق در آثار منتخب. منبع: (نگارندگان)

تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	آثار نگارگری
				
تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	آثار نقاشی پشت شیشه
				

جدول ۵- تحلیل نقش جبرئیل در آثار منتخب. منبع: (نگارندگان)

تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	آثار نگارگری
				
تصویر ۱	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	آثار نقاشی پشت شیشه
-		-		

متعالی و قدسی فرشتگان است که آن‌ها را از موجودات عادی متمایز می‌کند. در تصویر (۴) فرشتگان با بال‌های رنگی در پس‌زمینه قرار گرفته‌اند و در حال پرواز به بیرون کادر هستند. این حرکت پروازی فرشتگان، نماد ارتباط میان عالم ماده و عالم معنا است که آن‌ها را به‌عنوان واسطه‌ها به تصویر می‌کشد.

در نقاشی پشت شیشه (۱)، تنها دو فرشته به رنگ سفید بالای سر پیامبر قرار دارند. این تصویر شاید به آیه‌هایی از قرآن اشاره داشته باشد که در آن‌ها از دو فرشته به‌عنوان نگهبانان انسان یاد شده‌است. در تصویر (۲)، ۱۰ فرشته که فقط سر و بال دارند به صورت پراکنده اطراف پیامبر ترسیم شده‌اند. بال‌های فرشتگان رنگارنگ و موهایشان کوتاه است. در نقاشی پشت شیشه (۳) هیچ فرشته‌ای قابل مشاهده نیست و تنها پیامبر مشاهده می‌شود. تصویر (۴) دربردارنده ۱۱ فرشته با سر و بدن و بال‌های تک‌رنگ است که به‌طور نامنظم اطراف پیامبر حضور دارند.

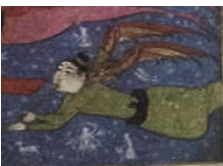
در تصویر (۱) نقشی از شیر ترسیم نشده‌است. در تصویر (۲) نیز هیچ تصویری از شیر مشاهده نمی‌شود. در نگاره (۳)، شیر در بالای کادر و روبه‌روی پیامبر قرار دارد. در تصویر (۴) شیر روبه‌روی پیامبر قرار گرفته و از کادر خارج شده و دور سر آن هاله‌ای نور دارد.

در نقاشی پشت شیشه (۱) شیری در پایین کادر به رنگ زرد در توده‌ای از ابر نشسته که با خطوط ساده‌ای ترسیم شده‌است. در تصویر (۲)، شیر در پایین کادر واقع شده و نسبت به سایر آثار واقع‌گرایانه‌تر ترسیم شده‌است. در نگاره (۳)، هیچ تصویری از شیر ترسیم نشده‌است و در نگاره (۴)، شیر در پایین کادر قرار دارد و با سادگی و در فرمی کلی ترسیم شده‌است.

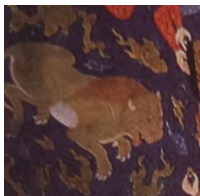
در نقاشی پشت شیشه (۱) جبرئیل به تصویر کشیده نشده‌است و تنها دو فرشته بالای سر پیامبر قرار دارد. این امر حاکی از آن است که در این نقاشی، هنرمند تمرکز خود را بر پیامبر و حضور فرشتگان در کنار او قرار داده‌است. در نگاره (۲) جبرئیل به شکل زیبا و متمایز ترسیم شده‌است. او پرچمی سبز رنگ در دست دارد و بال‌های رنگی بر روی لباس قرمز رنگ نمایان است. همچنین دارای تاج و موهای مشکی است که بر جلوه و زیبایی چهره‌اش می‌افزاید. این تصویر نشان‌دهنده توجه هنرمند به جزئیات و ویژگی‌های منحصر به فرد جبرئیل است. در نقاشی پشت شیشه (۳) جبرئیل به تصویر کشیده نشده‌است. در تصویر (۴) جبرئیل با اندازه‌ای کوچک، بال‌های ساده و موهای کوتاه مشکی ترسیم شده‌است. علی‌رغم این‌که دست‌های جبرئیل با حالت گرفتن پرچم نقاشی شده اما پرچمی در دست‌هایش مشاهده نمی‌شود. این نقاشی نشان می‌دهد که هنرمند در این اثر، توجه چندانی به جزئیات جبرئیل نداشته و به آن تمرکز نکرده‌است.

در نگاره (۱) فرشتگان با بال‌های رنگارنگ و جامه‌های زیبا به شکل اسپیرالی در حال پرواز دور پیامبر هستند. این حرکت چرخشی، نماد قدرت و دینامیسم معنوی فرشتگان است که آن‌ها را به‌عنوان همراهان و حامیان پیامبر به تصویر می‌کشد. در تصویر (۲) فرشتگان در گوشه‌های کادر قرار گرفته‌اند و با بال‌های رنگارنگ و جامه‌های زیبا به تصویر کشیده شده‌اند. این قرارگیری در گوشه‌ها، نشان از نقش حامی و محافظ فرشتگان است که پیرامون مقدسان و پیامبران حضور دارند. در نگاره (۳) فرشتگان با بال‌های خال‌دار و جامه‌های تزیینی ترسیم شده‌اند که تاج‌های زیبا بر سر دارند. این ویژگی‌های بصری، نشان از ماهیت

جدول ۶- تحلیل نقش فرشته در آثار منتخب. منبع: (نگارندگان)

تصویر ۴	تصویر ۳	تصویر ۲	تصویر ۱	آثار نگارگری
				
تصویر ۴	تصویر ۳	تصویر ۲	تصویر ۱	آثار نقاشی پشت شیشه
	-			

جدول ۷- تحلیل نقش شیر در آثار منتخب. منبع: (نگارندگان)

تصویر ۴	تصویر ۳	تصویر ۲	تصویر ۱	آثار نگارگری
		-	-	
تصویر ۴	تصویر ۳	تصویر ۲	تصویر ۱	آثار نقاشی پشت شیشه
	-			

نتیجه‌گیری

معراج پیامبر یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در هنر نگارگری و نقاشی پشت شیشه است. هنرمندان در طول تاریخ از عناصر و نمادهای دینی و اسلامی همچون پیامبر، براق، جبرئیل، فرشته، شیر و دیگر عناصر در این زمینه استفاده کرده‌اند. معراج در هر یک از هنرهای نگارگری و نقاشی پشت شیشه، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که آن را از دیگر آثار متمایز می‌کند. سبک نگارگری و نقاشی پشت شیشه معراج پیامبر برآیند ویژگی‌هایی است که در قالب مؤلفه‌های فنی از قبیل روش‌های ترسیم و مؤلفه‌های بصری مانند فرم، رنگ و تزئینات نمود یافته‌است. با

توجه به وجود دو روش متضاد در ترسیم نمونه‌های مورد مطالعه می‌توان اذعان نمود، هنرمند به جزئیات عناصر در نگاره‌های منتخب به مراتب بیشتر از نقاشی پشت شیشه پرداخته‌است. البته ماهیت هنر نقاشی پشت شیشه، با توجه به شیوه رنگ‌گذاری در رابطه با این موضوع بی‌تأثیر نیست. عناصر بصری در آثار نقاشی پشت شیشه ساده‌تر، انتزاعی‌تر و با تنوع رنگی کم‌تری نسبت به آثار نگارگری ترسیم شده‌اند. نقش پیامبر در نگارگری با جزئیات بیشتر و واقع‌گرایانه‌تر، خطوط و آناتومی بدن منعطف‌تر و جامه‌های رنگی ترسیم شده‌است. حضور براق با اندامی بزرگ و

روی براق به تصویر درآمده است. براق با ویژگی یکسان در هر اثر با چشمانی مشکي، ابروهای کشیده، رنگ قهوه‌ای و اختصاص بخش بیشتری از کادر به آن مشاهده می‌شود. جبرئیل فقط در دو اثر از نقاشی پشت شیشه حضور دارد و تنها در یکی از این اثرها به صورت واقع‌گرایانه و رنگ‌هایی که آن را از بقیه عناصر جدا می‌کند مشاهده می‌شود و در اثر دیگر با توجه به رنگ‌گذاری بسیار کوچک‌تر و بدون جزئیات است. فرشتگان از تعداد مشابهی در آثار نقاشی پشت شیشه دارا نیستند و حتی در یکی از آثار، فرشته‌ای به تصویر نکشیده شده و همچنین هنرمند از کشیدن تن برای فرشتگان امتناع کرده است. شیر در سه اثر نقاشی پشت شیشه حضور دارد که تقریباً به داخل کادر کشیده شده و بخش بیشتری به آن اختصاص یافته است.

ویژگی‌های شاخص آن به تصویر درآمده و دارای تزیینات و زیورآلات مانند تاج و گردنبند است و با رنگ‌های درخشان و روشن‌تر مشاهده می‌شود. همچنین جبرئیل در نگارگری از حرکتی پویا و فعالیت مشخص (حمل پرچم) برخوردار است و لباس‌های رنگی قرمز و آبی بر تن داشته و مسیری مشخص که همیشه در حال خارج شدن از کادر و روبه‌روی پیامبر قرار گرفته است. فرشتگان با بال‌های رنگی، جامه‌هایی با رنگ‌های متفاوت و صورت‌های گرد در حال حمل ظروف نقره‌ای و طلایی به دور پیامبر در حال حرکت و همراهی ایشان هستند. شیر در نگارگری با آناتومی بدنی واقع‌گرایانه‌تر و برای تأکید در جایگاهی با شعله‌های مقدس ترسیم شده که در برخی نگاره‌ها قابل مشاهده نیست. واضح است که در نقاشی پشت شیشه پیامبر و سایر عناصر ساده‌تر، با جزئیات کم‌تر، ایستا و کم‌تحرك است و با رنگ‌های تقریباً تیره بر

منابع

- قرآن مجید.
- اسکار چیا، جان‌روبرتو (۱۳۹۰)، هنر صفوی، زند، قاجار. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولى.
- اعظم‌كثيرى، آتوسا (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی مؤلفه‌های تصویری در پنج نگاره معراج حضرت رسول (ص)»، هنرهای صنعتی اسلامی. ۱۱-۲۶: (۱)۳.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۳)، دایرةالمعارف هنر، تهران: زرین و سیمین.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۸)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، چ هشتم، تهران: زرین و سیمین.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۸۸)، هنر و تمدن اسلامی ۲، تهران: دانشگاه پیام نور.
- داتون، دنیس (۱۳۸۴)، دانشنامه زیبایی‌شناسی، گروه مترجمان، تهران: فرهنگستان هنر.
- دشتگل، هلنا (۱۳۸۹)، معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد (ص)، تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد چهاردهم (معمد- نوال)، تهران: دانشگاه تهران.
- سلحشور، فریال (۱۳۸۷)، نقاشی پشت شیشه، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶)، سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شیخ صدوق (۱۳۸۵)، علل الشرایع، قرن چهارم هجری.
- صحراگرد، مهدی؛ شیرازی، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، «تاریخ سبک‌شناسی در تاریخ نگاری هنر مغرب زمین»، فصلنامه کیمیاى هنر، ۸۷-۹۸: (۱۲)۳.
- علی‌پور، مرضیه؛ مرائی، محسن (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی نگاره معراج حضرت محمد (ص) و نقاشی‌های عروج عیسی (ع)»، فصلنامه نگره، ۱۲(۴۲): ۱۴۱-۱۲۳.
- فتوحی‌رودم‌عجنى، محمود (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- فروغی‌نیا، مریم؛ دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی تأثیر و تأثر در ویژگی‌های تصویری معراج نگاره‌های صفوی و گورکانی»، نشریه مطالعات تطبیقی هنر، ۷(۱۴): ۱۳۵-۱۲۱.

- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۳۸۸)، *بحار الانوار*. دارالکتب الاسلامیه.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: زرین.
- وکیلی، هادی؛ لعل‌شاطری، مصطفی (۱۳۹۴)، «بررسی میزان انطباق تصویر براق در معراج نگاری‌های عصر قاجار با روایت اسلامی»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۶ (۲۰): ۴۹-۷۰.
- یآوری، حسین (۱۳۹۵)، *روایت نقاشی پشت شیشه*، تهران: کیان دانش.